





دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی

دانشکده حقوق و الهیات

گروه حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

رشته حقوق خصوصی

عنوان:

مطالعه فقهی - حقوقی اذن زوج در اعمال جراحی زیبایی زوج

استاد راهنما:

دکتر راضیه عبدالصمدی

استاد مشاور:

دکتر مصطفی نفری

نگارش:

زینب صحرائی

تابستان ۹۹

ب

واگذاری حقوق

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر دست‌آوردهای مطالعات، ابتکارات و نوآوری‌های ناشی از پژوهش موضوع این پایان‌نامه/رساله متعلق به دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی است. دانشجو موظف به رعایت آیین-نامه و منشور اخلاق در پژوهش برای ارائه و یا چاپ مطالب مستخرج از پایان‌نامه/رساله می‌باشد.



دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی

دانشکده حقوق و الهیات

گروه حقوق

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق گرایش خصوصی خانم زینب صحرایی تحت عنوان

مطالعه فقهی - حقوقی اذن زوج در اعمال جراحی زیبایی زوج

عنوان پایان نامه

مطالعه فقهی - حقوقی اذن زوج در اعمال جراحی زیبایی زوج

در تاریخ توسط هیات داوران بررسی و با درجه به تصویب نهایی رسید.

- | | | |
|-------------|------------------------------------|-----------------------------|
| امضاء | خانم دکتر عبدالصمدی با مرتبه علمی | ۱- استاد راهنمای پایان نامه |
| امضاء | اقای دکتر نقری با مرتبه علمی | ۲- استاد مشاور پایان نامه |
| امضاء | خانم دکتر کبیر ابادی با مرتبه علمی | ۳- استاد داور داخل گروه |
| امضاء | اقای دکتر تویانی با مرتبه علمی | ۴- استاد داور خارج از گروه |

مهر و امضا مدیر گروه

این پایان نامه ناقابل تقدیم به :

پیشگاه مقدس آقا امام زمان (علیه السلام)، رهبرم حضرت سیدعلی خامنه ای (حفظه الله)

و شهدا از صدر اسلام به ویژه شهدای هشت سال دفاع مقدس، علم وهسته ای،مدافع حرم و

مدافع وطن، باشد که خداوند متعال مرگ ما را شهادت در راه خود قرار بدهد.

سپاسگذاری

تشکر قلبی و لسانی خود را از استاد عالی قدر سرکار خانم **دکتر راضیه عبدالصمدی** که زحمت راهنمایی این پایان نامه را عهده دار گردیدند و در تمامی مراحل انجام رساله از راهنمایی های مدبرانه ایشان استفاده نمودم ابراز می دارم و توفیقات روز افزون ایشان را توأم با صحت و سعادت خواستارم.

از جناب آقای **دکتر مصطفی نفری** که در امر مشاوره این رساله مساعدت نمودند و در این امر نهایت مراقبت، توجه و دقت خود را مبذول فرموده اند کمال تشکر و امتنان را دارم و برای ایشان از خداوند سلامت و سعادت ابدی را خواهانم.

همچنین از استادان گرامی که در طول دوران تحصیلم افتخار کسب علم را در محضرشان داشته ام، نهایت سپاسگزاری را دارم.

در خاتمه از خانواده ام، همسرم، دوستانم و تمام کسانی که در این مسیر کنارم بودند، به غایت اظهار قدردانی میکنم.

چکیده

براساس قانون مجازات اسلامی، برای انجام اعمال طبی یا جراحی باید از خود فرد یا ولی وی رضایت گرفت. افزون بر این در بیمارستان ها و سایر مراکز درمانی متعارف است که برای انجام اعمال طبی یا جراحی زیبایی زوجه از زوج نیز اذن و رضایت می گیرند و بدون اذن وی اقدامی انجام نمی شود. در این پژوهش در پی آن هستیم که به بررسی فقهی و حقوقی اذن زوج در اعمال جراحی زوجه پردازیم و اینکه در این اعمال نفقه به زوجه تعلق می گیرد یا خیر؟ یا فته ها حاکی از آن است که زمانی که زوجه بالغ و هوشیار باشد نیازی به رضایت از زوج نیست اما به وظیفه ولایت مردن بر زن خدشه ای وارد کند، ممنوع است. و همچنین در صورتی که عمل جراحی ضروری باشد زوج مکلف به پرداخت مخارج درمان می باشد.

واژگان کلیدی: فقه، حقوق، ولایت مرد بر زن، اذن، عمل جراحی زیبایی

فهرست مطالب

۱-مقدمه	۱
۲- بیان مساله	۱
۳-پیشینه تحقیق	۳
۴-اهمیت و ارزش تحقیق	۴
۵-اهداف تحقیق	۵
۶-سوال های تحقیق	۵
۷-فرضیه های تحقیق	۵
۸- روش و نحوه انجام تحقیق	۶
۹-ساماندهی تحقیق	۶
فصل اول: مفاهیم بنیادین پژوهش	۷
بخش اول: مفهوم اذن	۸
مبحث اول: تعریف اذن و ماهیت آن	۸
مبحث دوم: اذن در اصطلاح فقهی	۸
مبحث سوم: ماهیت حقوقی اذن	۹
مبحث چهارم: ارکان اذن	۱۰
گفتار اول: اذن دهنده	۱۰
گفتار دوم: مأذون	۱۰
بند اول: مورد اذن	۱۱
گفتار سوم: مختصات اذن	۱۱
بند اول: یک طرفه بودن اذن	۱۱
بند دوم: قابل رجوع بودن اذن	۱۱

- بند سوم: حق یا حکم بودن اذن ۱۱
- الف: تعریف حق ۱۱
- ب: تعریف حکم ۱۲
- ج: تشخیص حق از حکم ۱۲
- د: حکم موارد مشکوک ۱۲
- گفتار چهارم: تقسیمات اذن ۱۴
- بند اول: اذن صریح، ضمنی «فحوا» و شاهد حال ۱۴
- الف: اذن صریح ۱۴
- ب: اذن فحوا ۱۴
- ج: اذن شاهد حال ۱۵
- بند دوم: اذن عام و خاص ۱۵
- بند سوم: اذن مطلق و مقید ۱۵
- بند چهارم: اذن موقت و غیر موقت ۱۶
- بند پنجم: اذن ناشی از عقد و ایقاع ۱۶
- بند ششم: اذن قانونی و اذن اشخاص ۱۶
- الف: اذن در عمل حقوقی و اذن در عمل غیر حقوقی ۱۷
- گفتار پنجم: تمیز اذن از مفاهیم و نهادهای مشابه ۱۷
- بند اول: اذن و رضایت ۱۷
- بند دوم: اذن و اجازه ۱۷
- بند سوم: اذن و حق انتفاع ۱۸
- بند چهارم: اذن و حق ارتفاق ۱۹
- بند پنجم: اذن و عقود اذنی ۲۰

۲۰	بند ششم: راه‌های اثبات اذن
۲۱	بخش دوم: مفهوم ولایت و رضایت
۲۱	مبحث اول: ولایت
۲۱	مبحث دوم: رضایت
۲۲	مبحث سوم: نفقه زوجه
۲۳	فصل دوم: بررسی اخذ رضایت از زوج
۲۴	بخش اول: ماهیت رضایت
۲۴	مبحث اول: مبانی فقهی - حقوقی اخذ رضایت زوج
۲۶	گفتار اول: زوجه بالغ عاقل غیر هوشیار
۲۸	گفتار دوم: زوجه بالغ عاقل هوشیار
۲۸	مبحث دوم: رضایت اولیای عام
۲۹	گفتار اول: رضایت اولیای دم
۲۹	بند اول: لزوم اخذ رضایت ولی دم
۳۰	بند دوم: عدم لزوم اخذ رضایت ولی دم
۳۸	بخش دوم: اذن زن از شوهر در استناد از آیات استناد از منظر فقه
۳۹	مبحث اول: قوام
۴۰	مبحث دوم: بررسی شأن نزول آیه و احادیث مربوط به آن
۴۱	مبحث سوم: توأم بودن مردان بر زنان
۴۶	مبحث چهارم: بررسی علل قوام بودن مردان بر زنان
۴۸	گفتار اول: پرداخت مهر و نفقه سبب قوام بودن مرد
۴۹	گفتار دوم: فیزیولوژی مردان و زنان سبب قوام بودن مردان
۵۱	فصل سوم: بررسی اذن از زوج در امور پزشکی و زیبایی

- بخش اول: بررسی اذن زوج در مسائل پزشکی و جراحی ۵۲
- مبحث اول: بررسی جراحی‌های زیبایی ضروری ۵۲
- مبحث دوم: جراحی‌های زیبایی غیر ضروری یا فانتزی ۵۲
- مبحث سوم: دیدگاه قانون در خصوص اذن زوج در امور پزشکی زوجه ۵۲
- مبحث چهارم: دیدگاه فقهی در خصوص اذن زوج در امور پزشکی زوجه ۵۴
- بخش دوم: نظریات مختلف فقه در باب ولایت مرد بر زن ۵۵
- مبحث اول: ولایت مطلق مردان بر زنان در خانواده و اجتماع ۵۵
- مبحث دوم: ولایت مطلق شوهر بر زوجه ۵۶
- مبحث سوم: ولایت محدود شوهر نسبت به زوجه ۵۷
- مبحث چهارم: مسؤولیت زوج در برابر خانواده ۵۷
- مبحث پنجم: ولایت مرد بر زن از دیدگاه قرآن ۶۱
- گفتار اول: دیدگاه برخی عالمان و مفسران به آیه ۶۳
- گفتار دوم: بررسی واژگان آیه ۶۶
- بند اول: مراد از «الرجال» و «النساء» ۶۶
- بند دوم: مراد از واژه «قوامون» ۶۸
- بند سوم: مراد از «بما فضل الله» ۷۲
- بخش سوم: بررسی لزوم اذن زوج در اعمال جراحی زیبایی زوجه ۷۳
- مبحث اول: بررسی فقهی هزینه درمان زوجه ۷۶
- گفتار اول: دیدگاه گروه اول فقها ۷۷
- گفتار دوم: دیدگاه گروه دوم فقها ۷۸
- مبحث دوم: نفقه و هزینه درمان زوجه در قانون مدنی ۷۹
- مبحث سوم: هزینه اعمال جراحی زیبایی زوجه ۸۰

نتیجه گیری ۸۲

منابع و مآخذ ۸۷

۱- مقدمه

خداوند به انسان کرامت ذاتی عنایت فرموده که علاوه بر بعد روحانی، شامل جسم او نیز می شود. به همین خاطر است که تقریباً در تمامی سیستم های حقوقی برای اینکه عمل جراحی یا طبی پزشک، مشروع و قانونی باشد، باید از شروع به کار، رضایت بیمار یا ولی او را به دست آورد. در سیستم حقوقی ما نیز به پیروی از فقه امامیه، پزشک باید رضایت بیمار یا اولیای او را اخذ نماید. به علاوه وقتی بدون مجوز قانونی و اذن مالک نمی توان در مال کسی تصرف نمود، به طریق اولی اذن شخص برای تصرف در تمامیت جسمانی وی ضروری است.

نکته ای که حائز اهمیت است اینکه آنچه در بیمارستان ها و سایر مراکز درمانی متعارف است، اخذ رضایت زوج جهت اعمال جراحی یا طبی زوجه است؛ حال آنکه این عمل، ظاهراً مبنای قانونی ندارد. این مسئله زمانی جالب تر می شود که بدانیم این امر حتی در برخی کشورهای توسعه یافته نیز مسبوق به سابقه است.

۲- بیان مسأله

رابطه زناشویی بین زن و مرد به واسطه الفاظ معین ایجاب و قبول در عقد نکاح شکل می گیرد. در ایجاب و قبول منتهی به رابطه زوجیت باید از الفاظی که صراحتاً دلالت بر قصد ازدواج می نمایند استفاده شود. از جمله این الفاظ که ابتدائاً از سوی زوجه بیان می گردد، می توان به «ملکت نفسی، زوجت نفسی، انکحت نفسی و ...» اشاره نمود. آنچه از این الفاظ بویژه عبارت «ملکت نفسی» برداشت می شود این است که با بیان این الفاظ زوجه نفس خویش را به طور مطلق به زوج تملیک می نماید. هر چند در عقد نکاح به واسطه ارتباط مستقیم آن به نفوس انسانها، تفاوت قابل توجهی با اجسام وجود داشته و تملیک به آن معنای اولیه و مطلق که به ذهن متبادر می شود وجود ندارد، ولی می توان چنین تفسیر نمود که پس از ایجاد رابطه زوجیت، تمتعات و بهره های زوجه در بالاترین سطح خود به طور انحصاری به زوج تعلق می گیرد. از سوی دیگر قاعده «الناس مسلطون علی انفسهم» افراد انسانی را بر ابعاد نفسانی خود مسلط و مختار فرض می کند و به آنها این حق را

می دهد که در تصرف بر نفوس خود آزاد باشند. (راغب اصفهانی، مترجم خسروی حسینی، ۱۳۷۵: ۱۴)

بخش عظیمی از معنای نفس شامل آزادی اشخاص در تصرف بر جسم خود می شود. خداوند به انسان کرامت ذاتی عنایت فرموده که علاوه بر بُعد روحانی، شامل جسم او نیز می شود. به همین خاطر است که تقریباً در تمامی سیستم های حقوقی برای اینکه عمل جراحی یا طبی پزشک، مشروع و قانونی باشد، باید قبل از شروع به کار، رضایت بیمار یا ولی او را به دست آورد. در سیستم حقوقی ما نیز به پیروی از فقه امامیه، پزشک باید رضایت بیمار یا اولیای او را اخذ نماید. (مواد ۵۹ (بند ۲)، ۶۰، ۳۱۹ و ۳۲۲ ق.م.ا) به علاوه، وقتی بدون مجوز قانونی و اذن مالک نمی توان در مال کسی تصرف نمود، به طریق اولی اذن شخص برای تصرف در تمامیت جسمانی وی ضروری است. (جعفری تبار، ۱۳۷۷: ۶۳) نکته ای که حائز اهمیت است اینکه آنچه در بیمارستان ها و سایر مراکز درمانی متعارف است، اخذ رضایت زوج جهت اعمال جراحی یا طبی زوجه است؛ حال آنکه این عمل، ظاهراً مبنای قانونی ندارد.

از مبانی ریاست زوج بر خانواده عبارت «الرجال قوامون علی النساء» در آیه ۳۴ سوره نساء می باشد که دلالت بر وجوب تمکین عام زوجه می نماید. یکی از دلایل این ریاست، تأمین هزینه های زندگی مشترک توسط زوج و عملاً وابستگی مالی اعضای خانواده به زوج می باشد که از نتایج منطقی آن می توان به محدودیت اختیارات زوجه در تصرفات شخصی وی اشاره نمود. (الطبری، ۱۴۲۲: ۲۹۰)

طبق قاعده، هرگونه عمل جراحی باید مسبوق به اخذ رضایت از بیمار یا اقربای او باشد در غیر این صورت، شخص خاطی طبق قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد. بی تردید، رضایت شخص زوجه عاقل، بالغ و هوشیار برای انجام اعمال درمانی اش لازم است؛ زیرا بدون اذن شخص نمی توان هیچ گونه تصرفی در تمامیت جسمانی او کرد. با توجه به آنچه گفته شد، در

این پژوهش بر آنیم که به بررسی فقهی و حقوقی اذن زوج در اعمال جراحی زیبایی زوجه بپردازیم و آن را مورد کنکاش قرار دهیم.

۳- پیشینه تحقیق

– هاتفی (۱۳۸۸) در پایان نامه ای تحت عنوان **اذن زوج در موارد گوناگون از منظر**

فقه و حقوق ایران، در این رساله، اذن شوهر درباره همسرش از منظر فقه و حقوق به پژوهش نهاده شده است. در ابتدا برای شناخت بهتر این نهاد حقوقی به تعریف اذن پرداخته شده سپس به منظور تبیین جایگاه و موقعیت آن در میان عقود و ایقاعات، با مفاهیم حقوقی مشابه به مقایسه گذارده شده همین طور انواع اذن، عناصر و ارکان آن و وسایل ابزار آن به اختصار گزارش شده است. همچنین مستندات و مبانی که موجب پیدایش این حق برای شوهر شده است، به بحث نهاده شده و دیدگاههای قرآنی، و روایی و حقوقی پیرامون آن مطرح شده به دنبال آن حقوق و تکالیف هر یک از زوجین از جمله: مهر، نفقه، تمکین، نشوز، حسن معاشرت و مستندات آنها بطور مبسوط بحث شده که همگی پیامد ریاست مرد بر خانواده است و این نتیجه بدست آمده که پیدایش حق اذن و سلطنت مرد بر زن در موارد خاص و بیشتر در امور مستحبی است که مدلل به مستندات روایی قرآن است.

– ایمانی (۱۳۸۹)، در پایان نامه ای با عنوان **بررسی تطبیقی اذن زوجه از زوج در**

فقه و حقوق موضوعه، این طور نوشته اند که: از جمله حقوقی که به اذعان برخی از فقها به دنبال عقد نکاح برای شوهر ایجاد می شود لزوم اذن گرفتن از شوهر جهت خروج از منزل، عبادات مستحبی، نذر، قسم و تصرفات مالی زن می باشد. در این نوشتار به بررسی این مسأله از منظر فقه و حقوق اسلامی پرداخته می شود. اذن از نظر اکثر فقها ایقاع می باشد. علاوه بر آن اکثر مصادیق اذن حق است، البته در مواردی نیز حکم به شمار می رود. با توجه به تعریف عقد نکاح تنها حقی که شوهر به دنبال نکاح می یابد حق تمکین است و اذن شوهر به عنوان یکی از فروع تمکین و تنها در صورت تنافی با آن لزوم می یابد. در جوامع امروزی با توجه به تغییر جایگاه

اجتماعی زنان لزوم اذن شوهر در مواردی باعث برخی مشکلات خانوادگی می شود، جهت رفع این مشکل با توجه به پویائی فقه شیعه و جایگاه ویژه شروط ضمن عقد در آن می توان از شروطی مانند شرط اشتغال، تحصیل جهت تحدید تمکین استفاده نمود. علاوه بر آن به طور مستقل از شرط تحدید تمکین که توسط برخی فقها مطرح و نظرات مختلفی راجع به آن داده اند و به نظر تنها با مقتضای اطلاق نکاح منافات ولی با مقتضای ذات آن منافاتی ندارد می توان جهت کمک به استحکام و کاهش اختلافات خانوادگی بهره گرفت.

– قنبرپور و نقیبی (۱۳۹۲)، در مقاله ای با عنوان **بررسی مشروعیت شرط عدم تمکین در عقد نکاح**، اینطور نوشته اند که: درج هر شرط جایزی در ضمن عقد نکاح، بلا مانع است. فقیهان در این باره که آیا زوجه می تواند در ضمن عقد نکاح، عدم تمکین را شرط کند یا خیر؟ پاسخ متفاوتی ابراز نموده اند. دسته ای از فقهاء، چنین شرطی را جایز می دانند و برخی دیگر، هر گونه شرط خلاف تمکین را نامشروع تلقی می کنند. منشأ این اختلاف آراء، از برداشت های متعدّد از مقتضای ذات عقد نکاح و وابستگی آن به تمکین، ناشی است. به نظر می رسد تمکین، مقتضای ذات عقد نکاح نیست، بلکه مقتضای اطلاق عقد است؛ اما از آنجایی که عقد نکاح از عقود خاص و عبادی است و با دین و اخلاق، پیوند عمیق دارد، شرط عدم تمکین، اثر ظاهری و مطلوب عقد نکاح را نفی می کند و با مفهوم عرفی نکاح مغایرت دارد. این مقاله با نقد دو دیدگاه مذکور، با عنایت به مقتضیات زمان، تعدیل در تمکین را نمایان می سازد. نوشتار حاضر در پژوهشی کتابخانه ای که به روش توصیفی مستند می باشد، ضمن تبیین مقتضای ذات عقد نکاح به صحت یا عدم صحت چنین شرطی از منظر فقه امامیه می پردازد.

۴- اهمیت و ارزش تحقیق

نکاح و پیمان زناشویی از مراحل ابتدایی پیدایش انسانها وجود داشته است و به دنبال شکل گیری این نهاد مقدس اجتماعی، قوانین مربوط به آن نیز در جوامع بشری شکل گرفته است. یکی از مواردی که در باب نکاح در کتب فقهی بسیاری از فقها درباره آن هرچند به صورت مختصر

صحبت شده است، بحث اذن شوهر می باشد. با توجه به اینکه اعمال جراحی زیبای در چند سال اخیر بسیار شایع شده است نگارنده این را ضروری دانست که در خصوص اعمال جراحی زیبایی زوجه کنکاش نماید. برای اعمال پزشکی باید از فرد یا ولی وی رضایت گرفت. در مراکز درمانی، متعارف است که برای انجام اعمال طبی زوجه از زوج نیز رضایت می گیرند. با توجه به اینکه اذن زوج برای اعمال جراحی زیبایی زوجه ضروری می باشد و اینکه تاکنون پژوهشی در خصوص این موضوع صورت نگرفته است، از اهمیت و ضرورت انتخاب این موضوع می باشد.

۵-اهداف تحقیق

- بررسی دیدگاه فقهای امامیه در خصوص لزوم اذن زوجه از زوج
- تبیین و بررسی دیدگاههای فقهی و حقوقی اذن زوج در اعمال جراحی زوجه
- بررسی هزینه های درمان زوجه

۶-سوال های تحقیق

- ۱- دیدگاه فقهای امامیه درباره لزوم اذن زوجه از زوج چیست؟
- ۲- از نظر دیدگاه فقهی و حقوقی اذن زوج در اعمال جراحی زیبایی زوجه بر چه مبنایی است؟
- ۳- هزینه های درمان زوجه از مصادیق نفقه زوجه محسوب می شود یا خیر؟

۷-فرضیه های تحقیق

- ۱- در میان فقهای امامیه عده ای موضوع لزوم اذن را مطلق می دانند و عده دیگر ضرورت کسب اذن را منحصراً در اموری می داند که به حق تمتع در ارتباط است.
- ۲- به نظر می رسد زمانی که زوجه عاقل و بالغ باشد، نیازی به رضایت زوج نیست، اما اگر به دو وظیفه ولایت و ریاست مرد و نیز تکلیف تمکین زوجه در قبال زوج خدشه ای وارد سازد، ممنوع است.

۳- بنظر می رسد جراحی زیبایی در صورتی که با اهداف ضروری انجام بگیرد،

زوج مکلف به تأدیه مخارج درمان است و جز نفقه محسوب می شود.

۸- روش و نحوه انجام تحقیق

داده ها با استفاده از روش کتابخانه ای و با بهره گیری از کتب و مقالات مرتبط با موضوع و روش

تجزیه و تحلیل به صورت توصیفی - تحلیلی، مورد بررسی قرار می گیرد.

۹- ساماندهی تحقیق

پایان نامه حاضر با موضوع در سه فصل نگارش یافته است.

در فصل اول با عنوان مفاهیم پژوهش به تعریف واژگان و مفاهیم مهم و اصلی در پژوهش پرداخته شده است. فصل دوم این پایان نامه با عنوان بررسی اخذ رضایت از زوج، در دو بخش تعبیه شده که در بخش اول به بررسی رضایت و ماهیت آن و در بخش دوم به بررسی اذن زن از شوهر از دیدگاه فقه پرداخته و اذن زن از شوهر را در آیات مورد واکاوی قرار داده است. در فصل سوم که با عنوان بررسی اذن از زوج در امور پزشکی و زیبایی می باشد از سه بخش تشکیل شده، بخش اول بررسی اذن زوج در مسائل پزشکی و جراحی، بخش دوم نظریات مختلف فقه در باب ولایت مرد بر زن و بخش سوم لزوم اذن زوج در اعمال جراحی زیبایی زوجه می باشد و در آخر به نتیجه گیری کلی در خصوص پژوهش پرداخته شده است.

فصل اول

مفاهیم بنیادین پژوهش

بخش اول: مفهوم اذن

مبحث اول: تعریف اذن و ماهیت آن

- اذن در لغت اذن از نظر لغوی بر چهار معنای زیر به کار می‌رود.

۱- اعلام: چنان که قرآن می‌فرماید: «فأذنوا بحرب من الله ورسوله» (بقره/۲۷۹)

۲- اباحه و رخصت؛ چنان که در آیه «فانكحوهن باذن اهلهن» به همین معناست.

۳- امر و فرمان: مثلاً در آیه «انزله علی قلبك باذن الله» در همین معنا به کار رفته است.

۴- اراده و استماع (طریحی، ۱۴۱۶: ۴۲۰)

در صحاح (الجوهری، ۱۴۱۰: ۲۰۶۸) و بعضی کتاب‌های دیگر تنها دو معنای اول آمده است. برخی از نویسندگان نیز تنها به ذکر معنای نخست اکتفا کرده‌اند (الاحمد نگری، ۱۳۹۵: ۸) و این به دلیل اهمیت آن معناست. بعضی از فرهنگ‌نویسان بر این باورند که واژه اذن در قرآن در معانی متعددی از جمله اجازة، اراده، اطاعت و علم به کار رفته است (قریشی، ۱۳۶۱: ۵۶) ولی به نظر می‌رسد بعضی از این معانی به چند معنای بالا قابل ارجاع باشد.

از بررسی واژه اذن در کتاب‌های لغت می‌توان دریافت که اذن به معنای اعلام بیشتر با حرف با، به معنای اباحه و رخصت غالباً با حرف فی و به معنای استماع در اکثر موارد با حرف الی متعدی می‌شود (الخوری، بی‌تا: ۷). به نظر می‌رسد از بین معانی ذکر شده معنای اعلام ریشه معنای اصطلاحی اذن باشد یعنی اذن در اصل به معنای اعلام بوده و بر اثر کثرت استعمال در معنای اعلام رضایت و رخصت نیز به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۱۴). ایدان به معنای اذن دادن و استیذان به معنای اذن گرفتن می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰).

مبحث دوم: اذن در اصطلاح فقهی

در منابع فقهی اذن با عبارات مختلفی تعریف شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱- اذن، رخصت مالک و یا کسی که در حکم مالک است در تصرف و اثبات بد است (حسینی،

۱۴۱۷: ۵۰۶).